



دکتر تقی ارانی

<http://www.mahnaaz.com>

گزینش از: بانو گلرخ شاهرودی

دکتر تقی ارانی یک صد سال پیش در تاریخ ۱۳ شهریورماه ۱۲۸۲ در شهر تبریز دیده به جهان گشود. و در روز ۱۴ بهمن ماه ۱۳۱۸ در دوره سلطنت استبدادی رضاخان بر اثر تضیقات و شکنجه های زندانبانان در بیمارستان زندان مرکزی شهربانی تهران، در اوج خلاقیت علمی و پیکار انقلابی جان باخت .

پدرش ابوالفتح خان ارانی تبریزی کارمند مالیه تبریز بود. مادر او فاطمه آقازاده نام داشت که زنی شجاع، آگاه و از خود گذشته بود. تقی ارانی بخشی از دوران کودکی خود را در تبریز گذرانید و چهار ساله بود که همراه خانواده (مادر و خواهرانش) به تهران آمد. ابوالفتح خان ارانی

نسبت به همسر و فرزندان خود لاقید بود و با وجود درآمد مکفی توجهی به تامین زندگی خانواده خود نداشت. در نتیجه دوره کودکی تقی ارانی در تهران با دشواری مالی سپری شد.

در این تاریخ تقی ارانی که تنها پسر خانواده بود با مادر و سه خواهر خود به نام های ایران، کوکب و شوکت در محله شیخ هادی زندگی می کرد. دوره کودکی و نوجوانی تقی ارانی مصادف است با یکی از پر فراز و نشیب ترین دوره های تاریخ ایران. که بی شک این اوضاع پرتحول سیاسی در روح حساس او و هم چنین تربیت فکری او نقش مهمی داشته است. تقی ارانی شش ساله است که مادرش او را در مدرسه ابتدایی شرف مظفری (بعدها شرف) نام نویسی می کند. با وجود این که تقی ارانی آموختن زبان فارسی را دو سال پیش از این در تهران آغاز کرده بود، - زیرا که در نزد خانواده ارانی فقط به آذری صحبت می شد. شاگرد باهوش و با استعدادی بود، به گونه ای که از همان آغاز توجه معلمین و هم شاگردی ها را به خود جلب می کند.

تقی ارانی محصلی آرام، با جثه ای کوچک که در درس و مشق همواره حاضر جواب بود. تنها مانعی که در درس و بازی با همسالان گاهی نمود پیدا می کرد، نزدیک بینی شدید تقی ارانی خردسال است، که تا آن زمان به این امر پی نبرده بودند. بلکه در سن شانزده سالگی موقعی که در دارالفنون تحصیل می کرد، با دریافت عینک پنس از این مشکل رهایی یافت.

از هم شاگردی های تقی ارانی که اتفاقاً در همسایگی او می زیستند، می توان دو تن را نام برد که تا پایان زندگی نیز یار و همراه او بودند. یکی احمد امامی است که بعدها در برلن نیز با دکتر ارانی بود و نزدیک ترین دوست وی محسوب می شد. احمد امامی پزشکی خواند و هم زمان با تقی ارانی تحصیلات خود را پایان برد. و دیگری عبدالحسین حسابی (دهزاد) است که پس از

تحصیلات متوسطه به شغل معلمی روی آورد. وی با نام دهزاد در حزب کمونیست ایران فعالیت می کرد.

عبدالحسین حسابی از سازمان دهندگان حزب کمونیست ایران بود و به خصوص بعد از ضربات پلیس رضاخان به این حزب بین سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ و نابود کردن بخش عمده ای از سازمان های حزب کمونیست ایران، در تجدید سازمان حزب نقش داشت.

تقی ارانی پس از به پایان رساندن دوره ابتدایی به مدرسه دارالفنون راه می یابد. در این مدرسه بود که علایق متنوع او به هنر، ادبیات و زبان های خارجی و علوم نمودار گشت. تقی ارانی در تمام این زمینه ها طی سال های تحصیل دوره متوسطه شاگردی نمونه بود. او در این مدرسه زبان های عربی و فرانسه را به خوبی فرا گرفت و همچنین در دروس علوم جدید یا دقیقه که در این مدرسه تدریس می شد، استعداد زیادی از خود نشان داد. این در حالی بود که تقی ارانی به دلیل عدم توانایی مالی و به قول خودش لابلالی بودن پدر حتی از خرید کتاب درسی نیز عاجز بود و آن ها را از هم شاگردی های خود قرض می گرفت.

تقی ارانی جوان در سال ۱۲۹۹ تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به عنوان شاگرد نمونه سال در بین دیپلمه ها به اتمام رسانید و علاوه بر مدرک دیپلم، تشویق نامه ای نیز دریافت کرد. سال های جوانی تقی ارانی نیز سال هایی طوفانی برای ایران و جهان بود. نخستین جنگ جهانی به وقوع پیوست و بسیاری از کشورها را به کام خود برد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در همسایگی ایران به پیروزی رسید و تاثیر مثبت و آگاهی بخش آن بر بخش هایی از مردم ایران خصوصاً بر روشنفکران و جوانان چنان زیاد بود که پژواک آن را در ادبیات این دوره می توان باز یافت.

بسیاری از شاعران ایران به پیشواز این انقلاب رفته و در مدح آن شعرها و منظومه ها سرودند. در این سال ها همچنین می توان به مداخله آشکار امپریالیسم انگلیس در امور ایران اشاره کرد. تا آن جا که به اشغال کشور توسط نیروهای نظامی انگلیس در سال ۱۲۹۷ انجامید.

این گونه دخالتها در نهایت منجر به تحمیل قرارداد ننگین سال ۱۲۹۸ (1919) شد. قراردادی که ایران را به مستعمره انگلستان مبدل ساخت.

یک سال بعد کودتای سید ضیاءالدین- رضاخان (۱۲۹۹) بوقوع پیوست و نفوذ بیش از پیش امپریالیسم انگلیس را در کشور تشدید نموده و از پیدایش استبداد جدیدی خبر می داد. علاوه بر این موارد سال های جوانی تقی ارانی، مصادف بود با شکل گیری قیام ها و جنبش های رهایی بخش و دموکراتیک در گوشه و کنار ایران.

از آن میان می توان به قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان به سال ۱۲۹۹، جنبش گیلان و تشکیل دولت انقلابی به ریاست میرزا کوچک خان جنگلی، قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان در سال ۱۳۰۱ و بالاخره قیام لاهوتی در آذربایجان اشاره کرد.

این جنبش ها از یک سو نتیجه افزایش تضادهای داخلی و دخالت امپریالیست انگلیس در امور ایران بود و از سوی دیگر زیر تاثیر غیرقابل انکار انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در کنار مرزهای کشور به عنوان الگویی برای رهایی قرار داشت. تقی ارانی پرورش یافته در این طوفان بود و بدون تردید این گونه حوادث در تکوین شخصیت وی و گرایش او به مبارزه سیاسی در مسیر آتی زندگی نقش مهمی بازی کرده است. زیرا او در همان سال ها به همراه سایر جوانان به مناسبت های گوناگون در تظاهرات ضد استبدادی و بر ضد قرارداد ننگین 1919 فعالانه شرکت می کرد.

برای نمونه می توان گفت که تقی ارانی برای اولین بار در سن هفده سالگی در تظاهرات سیاسی که از طرف دانش آموزان مدارس تهران برگزار شده بود، شرکت جست. بعد از گرفتن دیپلم متوسطه، تقی ارانی با این امید که در رشته پزشکی درس خوانده و بتواند از راه طبابت به مردم کمک کند، وارد مدرسه طب تهران شد، این مدرسه در واقع تنها مدرسه عالی در آن زمان محسوب می شد. تقی ارانی تنها یک سال در مدرسه طب درس خواند و عواملی چند باعث شد که مسیر زندگی او تغییر کرده و برای ادامه تحصیلات عالی راهی اروپا بشود.

تقی ارانی برای انجام تحصیلات دانشگاهی در سال ۱۳۰۱ (1922) به آلمان رفت و در دانشگاه شهر برلن به مدت شش سال به تحصیل پرداخت. رشته اصلی تحصیلی او شیمی بود که آن را با ارایه تزی با عنوان خواص احیاء کننده اسید هیپوفسفوریک بر روی مواد آلی در اواخر سال 1928 با درجه دکترا به پایان رساند.

رشته های دیگر تحصیلی تقی ارانی عبارت بودند از فیزیک، تکنولوژی و شیمی صنعتی که امتحانات این رشته ها را نیز با موفقیت به پایان برد. سالهای اقامت تقی ارانی در آلمان، سال های رشد، شکوفایی و آبدیدگی یک اندیشمند و انقلابی واقعی است. تقی ارانی در این زمان طی دوره اقامت هفت ساله خود در برلن پایتخت جمهوری وایمار، و زیر تاثیر جنبش کارگری آلمان که در آن سال ها رو به رشد بود قرار گرفت و به جهان بینی مارکسیسم گرایش پیدا کرد.

جنبش کمونیستی در آلمان طی سال های دهه بیست یکی از قدرتمندترین جنبش های کارگری در جهان به شمار می رفت. شخصیت هایی چون کارل لیب کنشت و روزا لوگزامبورگ در بوجود آمدن این جنبش نقش بسزایی بازی کرده و در این راه جان باخته بودند. هیچ عرصه ای از شعر و ادبیات گرفته تا موسیقی، نقاشی، نمایشنامه نویسی و تئاتر و حتی ورزش و غیره در جامعه

آلمان وجود نداشت که اثر انگشت کمونیست ها را بر خود نداشته باشد. طبیعتاً این جنبش بزرگ که سرود برابری و برادری ملت ها را می خواند، برای جوانی که از جامعه ای نیمه فئودالی و نیمه مستعمره چون ایران برخاسته و شاهد پیکارهایی خونین و نافرجام مردم کشورش بود، جذابیت و کشش فوق العاده ای داشت و راه های نوینی را در مسیر پیکار و عمل انقلابی به روی او می گشود. تقی ارانی از همان ابتدای ورود به برلن به مطالعات علمی، سیاسی و اجتماعی وسیعی دست زد. او به فراگیری آثار کلاسیک های مارکسیسم پرداخت و با بنیان های نظری فلسفه علمی آشنایی یافت. در نتیجه این مطالعات و درک ضرورت مبارزه انقلابی برای غلبه بر عقب ماندگی جامعه نه تنها به فعالیت سیاسی و انقلابی روی آورد، بلکه خود دست به قلم برد و به عنوان یک مارکسیست ژرف اندیش آثار گوناگونی در زمینه های روانشناسی، ماتریالیسم دیالکتیک، علوم تربیتی و تجربی به رشته تحریر درآورد.

دکتر تقی ارانی در عرصه ترویج فلسفه مارکسیستی استعداد شگرفی از خود نشان داد. و آثاری که منتشر کرد سهم معینی در پرورش کادرهای جنبش کمونیستی میهن ما دارد. تنها کافی است که به کتاب هایی مانند پسیکولوژی، عرفان و اصول مادی، ماتریالیسم دیالکتیک اشاره شود.

دکتر تقی ارانی در زمینه اشاعه فلسفه علمی مارکسیستی (ماتریالیسم دیالکتیک) نه تنها از پیشگامان آن در ایران بلکه در خاور میانه به شمار می آید. حجم مطالبی که او در زمینه های مختلف نوشته است، نشان می دهد که دکتر ارانی تا چه اندازه در عرصه مطالعات آثار کلاسیک های مارکسیسم و همچنین علوم اجتماعی زمان خود پر خواننده و با استعداد بوده است.

از دیگر موضوعات مربوط به زندگی تقی ارانی در برلن مبارزه و فعالیت انقلابی او در میان مهاجرین و دانشجویان ایرانی مقیم این شهر است. او علاوه بر ارتباط و همکاری با محفل

کمونیست های ایرانی در برلن، در سازمان دهی مبارزه با استبداد رضاخان پیش از آن که به سلطنت برسد، در میان مهاجرین و آزادی خواهان فعال بود.

که تبلور آن را در شکل گیری فرقه جمهوری انقلابی ایران پیش از اعلام پادشاهی رضاشاه می بینیم که دانشجویان کمونیست ایرانی مقیم اروپا مبتکر آن بودند.

تقی ارانی علاوه بر فعالیت مخفی سیاسی، در میان دانشجویان فعالیت صنفی هم داشت و آن ها را برای مدتی نمایندگی می کرد. در این زمان دانشجویان ایرانی در شهر برلن تشکیلاتی به نام انجمن ایران داشتند، که بر طبق قوانین جمهوری وایمار به ثبت رسیده بود. تقی ارانی برای یک دوره رئیس این انجمن بود.

تقی ارانی هم چنین در برلن به فعالیت مطبوعاتی روی آورد و از ابتدای ورود خود به این شهر با مجلات و روزنامه های مختلف همکاری می کرد. این همکاری مطبوعاتی تا مراجعت او به نحو پیگیری ادامه داشت. دامنه و حیطه کار نویسندگی تقی ارانی نیز گسترده بود و از نوشتن مقالات علمی (به ویژه شیمی) تا مباحث ادبی و زبانشناسی را در بر می گرفت. علاوه بر این تقی ارانی شعر هم می سرود که ما از دو قطعه از آن ها که در اوایل دهه بیست میلادی در مجله آزادی شرق منتشر شده است، اطلاع داریم. وی فعالیت مطبوعاتی خود را با مجله آزادی شرق در برلن آغاز کرد. اولین مقاله و قصیده بلندی را که سروده بود در همان ماههای اول ورود به این شهر، در آن مجله به چاپ رساند. از آن جا که تناوب انتشار مجله آزادی شرق منظم نبود، به همکاری با مجله ایرانشهر به مدیریت کاظم زاده ایرانشهر که صاحب یک کتاب فروشی با همین نام در مرکز برلن بود، پرداخت.

در سال 1924 تقی ارانی و تعدادی از دانشجویان تصمیم گرفتند خود مجله ای با عنوان نامه فرنگستان منتشر کنند. اسامی برخی از دانشجویانی که در انتشار این مجله نقش داشتند عبارت بودند از تقی ارانی، غلامحسین فروهر، حسن نفیسی، احمد فرهاد، مشفق کاظمی و مرتضی یزدی. متأسفانه انتشار نامه فرنگستان نیز مانند سایر مجلات فارسی زبان در اروپا دوام زیادی نداشت و پس از یک سال و انتشار دوازده شماره به دلایل مختلف متوقف شد.

از دیگر مجلاتی که در آلمان چاپ می شد و تقی ارانی در آن قلم زده است، می توان از مجله فنی و ادبی علم و هنر نام برد. این مجله توسط ابوالقاسم وثوق و به سردبیری سید محمد علی جمالزاده منتشر می شد.

نکته مهمی که در ارتباط با فعالیت مطبوعاتی دکتر تقی ارانی با مجلات فارسی زبان چاپ آلمان باید عنوان کرد این است که وی نه تنها همکاری قلمی و نگارش با این دسته مجلات داشت، بلکه از آن رو که در چاپخانه ای کار می کرد که اغلب این مجلات را به چاپ می رساند و همچنین تجربه عملی در کار چاپ و آگاهی وی به چند زبان از ادیت کنندگان این مطبوعات نیز به شمار می رفت. اکثر قریب به اتفاق مجلات نام برده در مطبوعه کاویانی جایی که تقی ارانی شب ها در آن کار می کرد و از این راه هزینه زندگی و تحصیل خود را تامین می کرد، منتشر می شدند. پیرامون فعالیت مطبوعاتی و نویسندگی تقی ارانی ما در این جا فقط به اقدامات علنی و آشکار وی در چاپ مقالات علمی و ادبی اشاره کردیم. در حالی که او با نشریات زیرزمینی مانند بیرق انقلاب که علیه دیکتاتوری رضاشاه مبارزه کردند، نیز نقش داشت.

در کنار این اقدامات تقی ارانی در برلن در همان چاپخانه کاویانی علاوه بر انتشار کتاب معرفه‌الروح (عنوان اولیه کتاب پسیوکولوژی) به قلم خود او، چند کتاب از ادبیات کلاسیک فارسی

نیز به چاپ رساند که برای اغلب آن‌ها مقدمه‌ای نیز که حاکی از شناخت عمیق او از ادبیات فارسی و عربی می‌باشد، نوشته است.

کتاب‌هایی مانند: وجه دین (حکیم ناصر خسرو) یا بدایع الغزلیات سعدی از این جمله‌اند.

دکتر ارانی علاوه بر زبان‌های ترکی و فارسی به زبان‌های عربی، فرانسه، آلمانی و انگلیسی نیز آشنایی کامل داشت. شناخت و آشنایی او با این زبان‌ها یکی از عواملی بود که او با برخی از شرق‌شناسان آلمانی مانند اویگن میتوخ (*Eugen Mittwoch*) که برای دوره‌ای استاد کرسی شرق‌شناسی دانشگاه برلن بود و هم‌چنین فریدریش روزن (*Friedrich Rosen*) دیپلمات و شرق‌شناس معروف آلمان که در سالهای اول جمهوری وایمار برای مدتی وزیر امور خارجه آلمان بود، آشنا شده و با آن‌ها در عرصه‌های مختلف به همکاری پرداخت. بنا به توصیه این شرق‌شناسان دانشگاه برلن در سال 1925 از تقی ارانی برای استادی دانشگاه دعوت به عمل آورد. تقی ارانی از این تاریخ به بعد به تدریس رشته‌های زبان‌های شرقی، علم منطق و سبک‌شناسی در این دانشگاه مشغول شد. وی تا زمان مراجعت خود به ایران به کار تدریس در دانشگاه برلن مشغول بود. در پرونده دانشجویی دکتر تقی ارانی در این باره اشاره‌هایی در این ارتباط وجود دارد. بنابراین می‌بینیم که تقی ارانی موازی با تحصیلات دانشگاهی خود در رشته شیمی به عنوان استاد در همان دانشگاه به تدریس اشتغال داشت.

درباره موضوع آشنایی دکتر تقی ارانی با زبان‌های خارجی باید عنوان کرد که او در زمینه ترجمه برخی از آثار به زبان فارسی نیز تلاش‌هایی کرده است. برای نمونه اولین ترجمه مانیفست حزب کمونیست نوشته کارل مارکس و فریدریش انگلس را دکتر ارانی به فارسی ترجمه کرده است.

این امر یکی از موارد اتهام و جرم او در دادگاه جنائی تهران مبنی بر فعالیت اشتراکی (کمونیستی) بود.

علاوه بر این دکتر تقی ارانی چند قطعه شعر نیز از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کرده است که یکی از آن ها یک سرود کارگری است با نام سرود آهنگران.

دکتر ارانی تا زمان دستگیری به اتهام فعالیت اشتراکی و متعاقب آن جان سپردنش، به مدت ۱۵ سال (از ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۶) سابقه فعالیت مطبوعاتی و نویسندگی داشت. او در این مدت کوتاه آثار برجسته و فراوانی انتشار داد که در زمان خود مورد توجه قرار گرفت.

نوشته های دکتر ارانی از قابل توجه ترین آثار دوره استبداد بیست ساله است. او همچنین از پرکارترین نویسندگان عصر خود به شمار می رفت. نوشته های دکتر ارانی را در یک نگاه کلی می توان چنین تقسیم بندی کرد:

نگارش های فلسفی و اجتماعی

نگارش های علمی و فنی (در رشته های مختلف علوم)

نگارش های سیاسی و اجتماعی

نگارش های اقتصادی

نگارش های ترجمه ای

نوشته هایی در زمینه های زبان شناسی، حقوق، شعر و ادبیات و هنر و ... به این موارد باید به

تلاش های دکتر ارانی در عرصه چاپ کتاب هایی در زمینه ادبیات کلاسیک مانند وجه دین،

غزلیات سعدی و شرح ما اشکل من مادرات کتاب اقلیدس، اثر خیام اشاره شود.

وی برای هریک از این آثار مقدمه و حواشی نیز نوشته است. ولی مهم ترین و برجسته ترین

فعالیت دکتر ارانی بنیاد نهادن و انتشار مجله دنیا است.

او در این مجله برای نخستین بار به گونه ای علمی، منظم و گسترده به طرح مسایل فلسفی و

اجتماعی پرداخت و به تبلیغ و ترویج مارکسیسم در ایران دست زد. مجله دنیا در زمان خود

منحصراً به فرد بود و در طی دو سالی که منتشر می شد، تاثیر به سزایی در میان روشنفکران و

دانشجویان برجای گذاشت.

البته دایره تاثیرگذاری این مجله تنها به زمان انتشار آن محدود نمی شود، چرا که مطالب منتشر

شده در دنیا پس از فرار رضاشاه و پدید آمدن دوره کوتاهی از آزادی های نسبی و رشد جنبش

انقلابی، در پرورش ایدئولوژیک نسلی از انقلابیون و جوانان میهن نقش بارزی ایفاء کرد.

محتویات مجله دنیا در کنار سایر آثار و کتبی که دکتر ارانی جداگانه انتشار داده بود، دست کم

برای دو دهه از آثار مرجع کمونیست های ایرانی در زمینه آشنایی با مارکسیسم و فلسفه

ماتریالیسم دیالکتیک به شمار می رفت. دکتر ارانی هم زمان با کار بزرگ انتشار مجله دنیا به

سازمان دهی و کار انقلابی در میان روشنفکران، جوانان و دانشجویان پرداخت. این تلاش ها در

واقع برای احیاء حزب کمونیست ایران بود که مدتی پیش از این تاریخ بر اثر پیگردهای شدید

پلیس و ضرباتی که رژیم استبدادی رضاخان به سازمان های آن وارد آورده بود، برای مدتی

فعالیت آن متوقف شده بود.

دکتر ارانی با فعالیت خود در بین جوانان و دانشجویان درصدد برآمد که با یاری همفکران خود، و با جذب مستعدترین دانشجویان برای مبارزه سیاسی و تربیت کادرهای آزموده سازمان متشکلی به وجود آورد. از اولین ثمره های این نوع فعالیت ها، می توان به سازمان دهی چند اعتصاب در محیط های آموزشی و دانشگاه تهران نام برد، که برخی از این ها با کامیابی نیز همراه بود.

متأسفانه دوره فعالیت انقلابی دکتر ارانی در ایران بسیار کوتاه بود. اداره آگاهی شهربانی رژیم دیکتاتوری در نیمه دوم اردیبهشت ماه ۱۳۱۶ با دستگیری دکتر ارانی و یاران و شاگرد وی مانع از فعالیت های روشنفکرانه او شد.

جریان دستگیری و محاکمه دکتر ارانی و یاران او که در تاریخ میهن ما تحت عنوان گروه پنجاه و سه نفر معروف گشته است، خود نشان دهنده عجز و ناتوانی رژیم مستبد رضاخان در مقابله با اندیشه های مترقی و انسان دوستانه کمونیست های ایرانی است.

دستگاه پلیس رژیم هر چند توانست با ضربه زدن به پیکر جنبش انقلابی ایران و دستگیری اعضاء ۵۳ نفر و رهبر آن دکتر تقی ارانی و محکوم نمودن آن ها در بی دادگاه های خود، برای مدتی سکوت گورستانی به جامعه تحمیل کند، ولی با وجود این دکتر ارانی و یاران و شاگردان او درون سیاهچال ها نیز دست از مبارزه نکشیدند و خود را برای نبردهای آتی و سرنوشت ساز آماده می کردند.

بدون شک در این میان نقش شخصیت برجسته دکتر ارانی و مقاومت قهرمانانه او در زندان نیز در تربیت و آموزش زندانیان سیاسی سهم مهمی داشته است. بدین شکل تعدادی از مبارزین

انقلابی در درون زندان های رژیم دیکتاتوری آبدیده شده و بعدها نقش بارزی در جنبش آزادی خواهانه میهن و همچنین در بنیادگذاری حزب توده ایران ایفاء کردند.

مبارزه ایثارگرانه دکتر ارانی در زندان و نقش ویژه او در میان زندانیان سیاسی از چشم دشمن پنهان نماند. همچنین دفاع جانانه او در جریان محاکمه و دادرسی گروه پنجاه و سه نفر که در واقع سند محکومیت رژیم استبدادی و قوه قضائیه آن محسوب می شد، رضاشاه و مسئولین زندان را در تصمیم خود مبنی بر گرفتن انتقام از دکتر ارانی مصرتر کرد.

رژیم استبدادی در شخصیت دکتر ارانی یک رهبر برجسته و یک آموزگار بزرگ و شجاع را می دید که می توانست به موقع خود بیرون از زندان و در میان مردم دشواری های زیادی برای ادامه حیات استبداد سیاه ایجاد کند. به همین خاطر به جنایت هولناکی دست زد و با به قتل رساندن دکتر ارانی، جنبش انقلابی میهن ما را از یک مبلغ و مروج بزرگ و محبوب محروم کرد. به دستور رضاشاه و رئیس شهربانی وقت سرپاس مختاری، دکتر تقی ارانی را در روز ۱۴ بهمن ماه ۱۳۱۸ در بیمارستان زندان مرکزی شهربانی تهران به قتل رساندند.

